

تأملاتی در باب سخنان رهبری در دیدار با بانوان

## نگاه دقیق و به فعلیت رسیده از زن در فرهنگ دینی



نحوه مواجهه ما با سخنان

امیر حسین اوصالی

رهبری، نه در موضع حاکمیت باید باشد و نه در موضع ولی فقیه، بلکه آنچه از زبان این مرد حکیم می‌شنویم باید آن را

چاردیواری

قوه عاقله نظام ساختارمند اسلامی در عصر حاضر دانسته و با یک رویکرد کلان دینی به آن نگاه کنیم. البته نه به این معنی که وقتی سخنان ایشان در نقد ساختار و حاکمیت دستگاهی باشد شنیده نشود، نه اما متفکر و اندیشمند بودن رهبری همیشه باید در جایگاه حاکمیتی ایشان پررنگ‌تر باشد تا امت حزب... خیال نکند چون ولایت‌مدار است، باید به حرف ایشان لبیک بگوید بلکه ما از این رو مطیع این مرد شده‌ایم که تمامیت فعل و قول او حکیمانه، سنجیده و نقطه‌زن است.

ما باید نظام فکری ایشان را به مثابه یک کل ساختارمند و منسجم تداعی کرده و در این پازل فکری گزاره‌های گفته شده را به پای تحلیل بکشیم.

آنچه در دیدار با بانوان در باب مسأله غرب و فرهنگ غربی گفته شد، همان قوه عاقله دین در برابر جبهه باطل است که در هر موضعی کاربرد دارد. البته ما تمامیت غرب را باطل نمی‌دانیم و نکات مفیدی هم در آنها پیدا می‌شود. به عنوان مثال، ایشان فرمودند که ما در مسأله زنان در مقابل غرب، مهاجم هستیم نه مدافع. این کلام نشأت گرفته از یک خصومت شخصی و دشمنی کشوری نیست، بلکه مسأله در موضع کلان فکری و فرهنگی مطرح است. آنچه غرب و جبهه باطل را ایستاده نگه داشته است جبهه حق و انقلاب اسلامی است و قوام باطل در وجود حق است و اگر حقی نباشد یقیناً باطل محلی از اعراب نخواهد داشت. حال ما در این منظومه ساختارمند همیشه در کنار تبیین حق و حقیقت باید برای رسوایی باطل نیز قدمی برداریم و اصل در تبیین، تبیین جبهه‌مند است که با افشای حقیقت باطل نیز به تیغ نقد و بررسی کشیده می‌شود که رهبری تأکید کردند این مردم دنیا تشنه این معارف و مطالب برخاسته از فرهنگ دینی هستند و باید بدانند آنچه غرب به مثابه شیر در دهان دنیا گذاشته پستانی فاسد است و چه خیانت‌هایی علیه زنان انجام داده است. نکته

مهم دیگر این که وقتی از موضع کلان فکری صحبت می‌کنیم دقیقاً نقدی است که ایشان بر فلسفه دیالکتیکی هگلی و مارکسیستی داشته و آن را مخالف قانون عام زوجیت در هستی دانستند. این نقد بر تمامیت پیکره تفکر غربی، فرهنگ غربی، هویت و ماهیت غربی وارد است که در جای خود باید بحث بشود. آنچه در مسأله زنان در طول تاریخ بشریت به آن پرداخته نشده یا کم پرداخته شده، تفکیک ۳ گزاره اصلی است که ما را در تحلیل دچار خطا کرده است.

خود نیاز به یک الگو و یک اصالت رفتاری دارد که قرآن وقتی می‌خواهد الگویی معرفی بکند، دوزن را معرفی می‌کند و این همان عاقله کرامت‌بخش اسلام به زن و هویت زنانه است. اگر نگاه‌ها و نظرها تکنیک بشود، مشاهده خواهیم کرد این اسلام است که کرامت به جایگاه زن می‌بخشد، نه فرهنگ معیوب غربی.

رهبری با بیان ماجرای حضرت مریم و آسیه با لطافت خاص خودشان بغض نیز می‌کنند! باید دانست که اسلام زن را نه برده می‌خواهد و نه پستو نشین. یقیناً منظور از خانه داری و جهاد زن در خانه نیز خانه‌نشینی مطلق نیست که فرمودند: «خانه داری خانه‌نشینی نیست» در همین راستا دین و ساختار دینی با تکلیف و ضرورت سراغ انسان می‌آید و با مواجهه با طبیعت هر انسانی مصادیق این کنش‌مندی و تکلیف‌محوری را مشخص می‌کند. با مشاهده و مطالعه تاریخ دینی می‌بینیم که زن‌ها همیشه کنش‌مند و جریان‌ساز بوده و قسمتی از تاریخ دینی ما را نیز زنانه کرده‌اند. زن هم در نقش همسری و هم در نقش مادری یک اصل را باید محور کار خود قرار دهد و آن تفکیک اولویت و ضرورت است.

گرچه جهاد برای هر دو واجب است اما مصادیق جهاد اینجا یکسان نخواهد بود. اسلام زنی می‌خواهد کنش‌مند، جریان‌ساز و خالق که بتواند هویت ملی-دینی را در نسل‌های آینده تزریق کرده و یک نسل اصیل انسانی تربیت کند. نکته پایانی این است که برخی سخنان رهبری در گذشته نیز گفته شده بود و مسئولان باید توجه کنند که اگر این سخنان در لایه‌های زیرین ارگان‌ها، سازمان‌ها، مدارس و... نهادینه نشود، ما باز برسر حجاب، گشت و... هزینه‌های فراوانی را بر انقلاب متحمل خواهیم شد. آنچه گفته شد یک نگاه دقیق و به فعلیت رسیده از زن در فرهنگ دینی بود که باید تبیین و نهادینه شود تا جامعه ما بتواند با یک رویکرد صواب دینی با مسائل زنان مواجهه بشود.

و اصلاح قوانین داخل خانه در خصوص عدم ظلم به زن دادند. گاهی این ظلم نسبت به طبیعت و زنانگی زن اتفاق می‌افتد که این دیگر مربوط به عرف جامعه و رفتار مردم است. به عنوان مثال، زن تحیف‌الاندام است و توانایی مقابله با برخی مشکلات را به تنهایی نخواهد داشت و اینها را نیز نباید در دایره دینی قرارشان داد و دین را متهم نمود. در کنار این تبیین‌ها باید به خدمات جمهوری اسلامی نیز توجه خاصی شود که این تعداد کارمند، دانشجو و زنان تحصیل‌کرده حتی در زمان پهلوی نیز وجود نداشته است و این مسأله روشن نمی‌شود الا با بررسی خیانت غرب علیه زنان.

این که فرموده شد «نظام غرب مرد سالار است» یک حقیقت است و این را می‌توان در جای جای رسانه‌های امروزی مشاهده کرد. آنچه فرهنگ غربی از زن می‌خواهد، درست نقطه مقابل فرهنگ اسلامی است. اسلام، زن را کنش‌مند مخدّر و عقیف می‌خواهد اما غرب از این زن یک برده کارگر ارزان ساخت که بتواند لذایذ جنسی مرد را نیز اشباع کند. البته نه از طریق زوجیت و خانواده، بلکه از راه تعرض و تجاوز.

نکته بسیار جالب و حائز اهمیت این بخش از کلام رهبری استناد ایشان برای اثبات ادعای‌شان به یک رمان است. یک فقیه برای اثبات کلامش استناد به رمان می‌کند. این است که فهم می‌شود چرا رهبری چند هزار رمان را خوانده‌اند. باید بدانیم ادبیات یک کشور برخاسته از فرهنگ و آداب آن کشور است که می‌توانیم با مطالعه ادبیات و داستان‌های یک کشور به برخی از ویژگی‌ها و آداب و فرهنگ آن مردم شناخت پیدا کنیم. رهبری با مثال رمان «عمو تام» ادبیات غرب، فرهنگ غربی را نقد کردند.

نقد اساسی بر ادبیات خودمان نیز وارد است که آیا توانسته‌ایم کتاب‌های خوش‌فرم و خوانایی تولید کنیم که فرهنگ چند هزار ساله‌مان را به خود و جهانیان تبیین بکنیم؟ انسان در طول زندگی

ما در این مسأله یک گزاره طبیعی-جنسیتی، یک گزاره تاریخی-قانونی و یک گزاره اسلامی داریم. باید دانست نگاه اسلام به زن با گزاره‌های دیگر متفاوت است. اسلام به زن نگاه انسانی دارد که هردو فرد (مرد و زن) در ارزش‌ها دارای تساوی هستند. البته وظایف و حقوق این دو یکسان نیست اما از تعادل کاملی برخوردار هستند. ولی متأسفانه چیزی که در جامعه نمایان می‌شود که گاهی از فشل بودن ساختار نیز نشأت می‌گیرد، خلاف این واقع است. به عنوان مثال، وقتی جایگاه زن در دوران قاجار را مطالعه می‌کنیم، با ظلم‌هایی مواجه می‌شویم که علیه زنان انجام شده است. حال سؤال اساسی این است که این ظلم از کدام منظر باید بررسی و مذاقه بشود؟ گاهی در برهه‌ای از تاریخ به علت فرهنگ حاکم در یک اجتماع اتفاقاتی رخ می‌دهد که به هیچ عنوان در دایره دین نمی‌گنجد اما به خاطر حمل عنوان مسلمانی بر جامعه، این خطاها به اسم اسلام نوشته می‌شود.

آنچه در دوره قاجار اتفاق افتاده، نباید به نام دین نوشته بشود. مثال دیگری که می‌توان زد، عدم تفکیک نگاه قانونی-ساختاری با نگاه فقهی-دینی در این مسأله است که رابطه قانون و فقه در مسائل زنان عموم و خصوص مطلق نیست بلکه من وجه است. گاهی ظلم قانون و ساختار نیز به پای اسلام نوشته می‌شود. در عرف دینی طلاق گرفتن یک زن چنین مصیبتی برای زن ندارد که ماه‌ها عمر شریف خود را در راهروهای سرد و طولانی دادگستری و دادگاه‌ها تلف کند. آیت ضعف قانون و ساختار است.

رهبری در این باب نیز نگاه کامل اسلامی را تبیین کرده و تذکری نیز درباره محکم کردن

66

باید دانست اسلام زن را نه برده می‌خواهد و نه پستو نشین یقیناً منظور از خانه داری و جهاد زن در خانه نیز خانه‌نشینی مطلق نیست